

رد ويزای حميد ابوطالبی

اميرفيض- حقوقدان

بطوریکه مستحضرهستيد دولت آمریکا با ويزای ورود ابوطالبی که بعنوان نماينده دائم (سفیر) ایران در مجمع عمومی معرفی شد، بعلت سابقه او و مشارکت در امر گروگان گیری کارمندان سفارت مخالفت کرد و متقابلاً جمهوری اسلامی عمل آمریکا را مخالف قوانین بين المللی تلقی و راه شکایت از تصمیم آمریکا را برگزیده است.

سَمَت این تحریر در حواشی اقدام آمریکا و شکایت ایران و متعلقات آن قرار دارد. به اتفاق به ملاحظه ابعاد آن میرویم.

نخست ادعای حميد ابوطالبی

گرچه اقدام آمریکا و شکایت ایران از مراتب حقوق بين الملل است و ارتباطی به اظهارات و یا مدافعات ابوطالبی ندارد ولی بنظر میرسد که نمای حقوقی این تحریر بی نیاز از ضمیمه بودن ادعای ابوطالبی نیست.

ابوطالبی مدعی است که در امر گروگان گیری شرکت مستقیم نداشته و نقش مترجم را داشته است.

با این ادعا خواسته است اتهام مشارکت در امر گروگان گیری را از خود دور سازد.

ادعای ابوطالبی اثبات کننده دوا مر است نخست اینکه عمل گروگان گیری کاری خلاف قانون و حقوق بشر بوده که ایشان تلاش دارد خود را منزه نشان بدهد و دوم اینکه تصدیق به مشارکت و همکاری با سایر گروگانگیران را دارد منتها نقش خود را مترجم میداند.

موقعیت اتهامی آقای ابوطالبی منطبق با معاونت در جرم گروگان گیری است زیرا بنا بر تعریف خودش مسقیماً در امر گروگانگیری شرکت نداشته ولی با کمک و یاری رساندن به مباشرین گروگان گیری یعنی ترجمه، انجام فعل مجرمانه را ممکن و تسهیل کرده است.

آقای ابوطالبی و جمهوری اسلامی میخواهند بگویند که نقشی که ابوطالبی داشته معاونت در جرم محسوب نمیشود.

امیر حکمت یک آمریکایی ایرانی تبار است که بعد از سفر از آمریکا به افغانستان و سپس بتهران از سوی جمهوری اسلامی بازداشت و با حکم اعدام روبرو شد و اکنون پرونده او در جریان استیناف است امیر حکمتی و وکلایش هم مدعی شدند که او نقش ترجمه برای آمریکایی ها را داشته و عملش خلاف قانون نبوده است ولی جمهوری اسلامی این ادعا را نپذیرفت.

ممکن است یک فرد عادی مدعی شود که از قصد مجرمانه ثالث آگاه نبوده ولی این ادعا از جانب مترجم ابداً قبول کردنی نیست زیرا مترجم دقیقاً به قصد و نیت وکل ماهیت عمل و قوف کامل دارد.

راننده بن لادن که در گوانتانامو، بازداشت است درمداخلاتش گفته من راننده بودم نه با من صحبت ميشد و نه من از مقاصد او آگاه بودم ولی دادگاه او را متهم در معاونت اعمال مجرمانه بن لادن ميداند.

اخيرخانی در دادگاه آمريکا به معاونت در قتل محکوم شد که مدعی بود به درخواست بوی فريندش (دوست پسرش) یک اسلحه کمری برای او خريداري کرده و هرگز از قصد او آگاه نبوده است، دادگاه دفاع او را نپذيرفت و او را به معاونت در قتل محکوم ساخت.

بنابراين ادعای ابوظالبی و شهادت ياران او در امرگروگان گيری که او تنها مترجم بوده مسموع نيست.

ادعای آمريکا در رد ويزای ابوظالبی

آمريکا قانونی دارد که از ضمايم مبارزه با تروریسم است و ميگويد <اگر فردی نامش در ليست افراد تروریست ذکر شده باشد به دليل امنيت ملی ایالات متحده آمريکا نبايد به خاک آمريکا پای نهد>.

آمريکا به استناد اين قانون ازدادن ويزای ورود به ابوظالبی خودداری ميکند.

مشکل جلوی اين قانون

مشکلی که جلوی اين قانون قرار دارد قرارداد بين آمريکا و سازمان ملل متحد است که به

HEADQUARTERS AGREEMENT شناخته ميشود که سازمان ملل متحد دارای یک قلمرو بين المللی ميباشد (تعبيره حق ارتفاق در حقوق خصوصی) که از جمله حقوق متعلق به آن قرارداد یکی است که هيچیک از مامورين قضائی و پليسی آمريکا حق ندارند وارد محوطه سازمان بين الملل شوند مگر با اجازه دبیرکل سازمان و به ترتيبی که او مقرر ميدارد.

ماده ۱۱ همان قرارداد تاکيد دارد که مقامات ایالتی و محلی ایالات متحده نمی بايست هيچگونه موانعی برای رفت و آمد اشخاص زير به عمل آورد و در آن ماده، ۵ رديف افراد بمناسبت شغل و موقعيتشان معرفی شده اند.

ماده دیگری از همان قرارداد آمريکا را موظف به دادن رواديد ورود به آمريکا به کسانی که در ماده ۱۱ نام بری شده ساخته است.

تعارض در حقوق آمريکا

چنانکه ملاحظه کرديد قانون مبارزه با تروریسم به آمريکا حق داده است که به ابوظالبی ويزای ورود ندهد و از طرفی عهد نامه با سازمان ملل حق خودداری ازدادن ويزای ورود به ابوظالبی را از آمريکا سلب کرده است.

اين تعارض در مسير اجرای قانون داخلی با عهدنامه های بين المللی در کشورهاي ديگر وجود ندارد و روال حقوقی در همه کشورها بر اين پایه است که عهدنامه های بين المللی مقدم بر قوانين داخلی است و اين اصل در قانون اساسی آمريکا هم پياده شده ولی با مخالفت ديوان عالی آن کشور روبرو شده و <ديوان بر اين عقیده عمل ميکند که قوانين داخلی با عهدنامه های بين المللی اعتبارکاملا برابردارند و در هنگام تعارض بين آن دو، مقرر موخر حاکم است.> (حقوق بين الملل عمومی بيگدلی)

اگر نظريه ديوان کشور آمریکا در مورد ابوطالبی ملحوظ گردد قانون مبارزه با تروریسم آمریکا در مورد ابوطالبی مجری است نه عهدنامه آمریکا با سازمان ملل متحد.

آمریکا به اعتبار همین تفسیر و نظر ديوان عالی کشورش به گرومیکو وزیر خارجه شوروی ويزای ورود به آمریکا راندا. به ياسر عرفات هم که به دعوت سازمان ملل متحد عازم آمریکا بود ويزاداده نشد و نتوانست در جلسه مجمع عمومی سازمان حاضر شود. شاهرودی هم که برای شرکت در اجلاس نهاد های مالی به سازمان ملل دعوت شده بود نتوانست ويزا بگیرد.

سوءاستفاده از سکوت در قرارداد بين سازمان ملل و آمریکا

عرض شد که در ماده ۱۱ عهدنامه بين سازمان ملل و آمریکا در مورد حق ارتفاق سازمان، کسانی که به سازمان ملل دعوت میشوند ويا عضو سازمان ملل هستند ويا بعنوان کارشناس و نمايندگان مطبوعات و رسانه با سازمان ملل سروکار دارند نه تنها بايد از رو ايد ورود به آمریکا بهره مند شوند بلکه بايد مورد حمايت آمریکا هم قرار گیرند.

از آنجا که در قرارداد بين آمریکا و سازمان ملل شرطی برای محدوديت دعوت شدگان سازمان ملل متحد وجود ندارد، هنگامیکه دولت آمریکا از ورود عرفات به آمریکا که برای شرکت در مجمع عمومی سالیانه سازمان ملل دعوت شده بود خودداری کرد حقوقدانان فلسطینی در مرافعه علیه آمریکا به سکوت قرارداد بين سازمان ملل و آمریکا در مورد افراد متهم به اتهامات جنائی استناد کردند و خودداری آمریکا از دادن ويزای ورود به عرفات را نقض آشکار عهد نامه بين المللی دانستند (ادعائی که مسلما مورد استفاده جمهوری اسلامی در مرافعه علیه آمریکا در مورد حميد طالبی قرار خواهد گرفت).

ادعای مزبور واهی و بکل بی اعتبار است زیرا اصل حقوقی براین امر استوار است که افراد فارغ از اتهامات هستند مگر خلاف آن ثابت شود در کنار این اصل و در رابطه با قرارداد آمریکا و سازمان ملل.

اصل این است که هیچ کشوری نماينده ای که سابقه جنائی دارد و خود نماينده هم اقرار دارد که در امر گروگان گیری دخالت داشته بنمايندگی خود به سازمان ملل معرفی نمیکند و اصل معتبر دیگر اینکه سازمان ملل هم اگر آگاه باشد ويا آگاه شود که نماينده تعیین شده از سوی کشوری در لیست تروریستی است مسلما از قبول آن نماينده امتناع خواهد کرد.

بنابراین این، اصول حقوقی اجازه نمیدهد که در قرارداد بين آمریکا و سازمان ملل اضافه میشد (تعهدات آمریکا در حمايت از مدعوین سازمان ملل بشرطی جاری خواهد بود که دعوت شده گروگان گیر و تروریست نباشد) چنین شرطی خلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر و منافات با عقلانی بودن است.

در ماده ۵ همان قرارداد ذکر شده که مقامات آمریکائی میبایست هرگونه حمايت لازم را برای اشخاص معرفی شده در لیست بعمل آورند.

آیا عقلانی است که فکرويا ادعا شود که ماده مزبور ناظر به حمايت از گروگانگیرانی هم هست که ۴۴۴ روز در جنایت گروگانگیری معاونت داشته است.